بازداشت عامل کلیپ توهین به قومیت

رئیس پلیس فتای پایتخت از دستگیری زنی خبر داد که با تولید و انتشار کلیپی به یکی از اقوام کشور توهین کرده بود.

به گزارش جام جم، سرهنگ داوود معظمی‌گودرزی دراین‌باره گفت: با انتشار کلیپی با محتوای فحاشی و توهین به یکی از اقوام کشور و با توجه به بازتاب گسترده‌ای که در فضای مجازی داشت و باعث ناراحتی و دغدغه مردم به‌ویژه هموطنان شمال کشور شده بود، تحقیقات پلیس‌فتا دراین‌باره ادامه پیدا کرد و معلوم شد این متهم زن از تهران خارج شده است.

وی افزود: در جریان تحقیقات رد او در یکی از استان‌های همجوار تهران به‌دست آمد و ماموران به آنجا اعزام‌شده و دستگیرش کردند. با تحقیق از متهم در پلیس فتا معلوم شد او در یکی از اتاق‌های گفت‌وگو در فضای مجازی با اشخاصی درگیری لفظی پیداکرده و از روی عصبانیت مطالبی را بیان داشته و اکنون از این اقدام مجرمانه خود پشیمان است.

پشت‌پرده شکنجه مرگبار کولبران ایرانی در ترکیه

گروه حوادث

در حالی که کولبران شب و روز برای به‌دست‌آوردن لقمه‌ای نان به آب‌وآتش می‌زنند و با جان خود بازی می‌کنند، این‌بار هم خبر مرگ و زخمی شدن دو کولبر چالدرانی، دل اهالی چالدران و بسیاری از هموطنان را به درد آورد. ماجرای آنها زمانی حساس‌تر شد که برخی رسانه‌ها گفتند علت مرگ و زخمی شدن دو کولبر ایرانی، بدرفتاری و رفتار وحشیانه سربازان ترک بوده است؛ موضوعی که باعث شد برای مرزبانان ترکیه‌ای پرونده تشکیل شود.

سه روز پس از وقوع حادثه، با پسر ۲۲ ساله حسن کچلانو که در جریان کولبری جان خود را از دست داده است، صحبت کردیم. علی در خصوص روز حادثه به خبرنگار جام جم گفت: «شغل اصلی پدرم قالیبافی بود و از طریق همین قالیبافی زندگی‌مان می‌گذشت. او تا به حال کولبری نکرده بود و این اولین باری بود که دست به این کار می‌زد. چهارشنبه‌شب هفته گذشته بود که پسر جوان ۲۰ ساله‌ای به نام میلاد صمدی با پدرم تماس گرفت و مدتی با هم صحبت کردند. پس از قطع کردن تلفن، پدرم گفت ۲۰ دقیقه بیرون می‌روم و زود برمی‌گردم. وقتی پدرم داشت می‌رفت، به او گفتم شماره میلاد را هم بده تا اگر نتوانستیم با گوشی تو تماس بگیریم، از طریق شماره میلاد با تو در تماس باشیم و بدانیم کجا هستی. ساعت ۸ شب بود که میلاد تماس گرفت و گفت پدرت به ترکیه رفته بود و حالا ترک‌ها او را دستگیر کرده‌اند. میلاد زمانی که دنبال پدرم آمده بود، خانه ما را می‌شناخت و برای همین به او گفتم به در خانه ما در چالدران بیا تا با هم صحبت کنیم. وقتی آمد، با هم صحبت کردیم و گفت پدرت را ماموران به ترکیه بردند و دو سه‌روزه هم آزاد می‌شود. پدرم و بهنام برادر میلاد با هم رفتند اما در زمان رفتن چیزی همراه‌شان نبود.»

او ادامه می‌دهد: «پس از گذشت یک روز، میلاد دوباره با من تماس گرفت و گفت کد ملی پدرت را می‌خواهم. گفتم برای چه می‌خواهی؟ گفت در ترکیه دوست و آشنا دارم و شاید بتوانم با کمک او، پدرت را آزاد کنم. کد ملی را فرستادم و ۲۰ دقیقه بعد دوباره میلاد گفت پدرت فوت کرده است. گفتم چطور؟ گفت نمی‌دانم، خبر ندارم. پس از گذشت مدتی، دوباره تماس گرفت و گفت هنگ مرزی ... در چالدران پدرت را دستگیر کرده است. من هم از این خبر خوشحال شدم که پدرم هنوز زنده است اما متاسفانه این‌طور نبود و چند ساعت بعد، ماموران هنگ مرزی ایران جسد پدرم را در خاک ترکیه پیدا کردند. جسد پدرم را در جایی قرار داده بودند که ماموران ترک و ایران راحت بتوانند آن را ببینند. ما جسد پدرم را ندیدیم اما به گفته ماموران، پدرم به‌شدت شکنجه شده بود ولی جای گلوله‌ای روی بدنش نبود.»

برخی رسانه‌ها مدعی بودند که به پدر علی تجاوز شده است و او را با شلیک گلوله به قتل رسانده‌اند؛ ادعایی که البته علی آن را رد کرد وگفت: «این دروغ است. پدم یک مرد ۴۸ ساله است و چطور ممکن است با یک مرد میانسال این‌طور رفتار کنند. اصلا درست و اخلاقی نیست این صحبت‌ها مطرح شود.»

علی در مورد سرنوشت بهنام برادر میلاد گفت: «او زخمی شده و هنوز در بیمارستان بستری است. ما هم در ترکیه و هم در داخل ایران شکایت کرده‌ایم و منتظر جواب هستیم. ترکیه هنوز پاسخی به شکایت ما نداده و ایران هم منتظر واکنش این کشور در قبال این جنایت است. ما هنوز نمی‌دانیم بین میلاد، پدرم و بهنام چه گذشته است و چه اتفاقی افتاد که پدرم کشته شد اما کلید حل این معما در دستان میلاد است و تنها او می‌داند که چه اتفاقی افتاده است ولی در مورد حادثه درست توضیح نمی‌دهد.»

پس از انتشار اولین خبرهای مربوط به مرگ و مجروح شدن دو کولبر ایرانی، رسانه‌های ترکیه تحقیقات خود را درباره این جنایت آغاز کردند و یک روزنامه‌نگار محلی نیز عکس‌هایی از بدن شکنجه شده دو کولبر در توییتر منتشر کرد. آن‌طور که اعلام شده هر دو کولبر ایرانی، در ایستگاه پلیس و در یکی از دهکده‌های مرزی، مورد ضرب و شتم شدید و شکنجه با آب سرد قرار گرفته و با چاقو زخمی شده بودند.

این اولین بار نیست که چنین اتفاقات ناخوشایندی رخ می‌دهد و به گفته یک کولبر ایرانی، سربازان دولت ترکیه بارها کولبرانی را که از ایران به سمت ترکیه حرکت کرده‌اند، کتک زده و در مواردی حتی بارشان را هم توقیف کرده‌اند.

همزمان با آغاز تحقیقات در وان ترکیه که پرونده‌ای علیه چند مرزبان به اتهام شکنجه منجر به مرگ یک کولبر کرد ایرانی تشکیل شده است، سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت خارجه ایران نیز اعلام کرد تیم‌های مرزبانی دو کشور در حال بررسی این موضوع هستند.

حسین، کولبر کشته شده

معمای خودکشی بعد از رفیق‌کشی

پس از کشف جسد دو جوان ۱۸ و ۳۱ ساله که شامگاه پنجشنبه هفته گذشته و با شلیک گلوله در منطقه ترشابه شهرستان ملکشاهی ایلام به قتل رسیده بودند، تصور برخی از اهالی روستای ترشابه و روستاهای اطراف به این سمت رفت که هر دو جوان را افرادی ناشناس به قتل رسانده‌اند اما ماجرا متفاوت‌تر از آن چیزی است که تصور می‌شد.

نورا... و حسین، اسامی دو جوانی است که در این حادثه به قتل رسیده‌اند. دو مردی که به گفته دوستان و اقوام‌شان رابطه نزدیک خانوادگی با هم داشتند و تا به حال اتفاق نیفتاده بود که بر سر موضوعی با یکدیگر بگو مگو کنند اما حالا مرگ نابهنگام این دو نفر به بزرگ‌ترین معمای حل‌نشده خانواده آنها تبدیل شده است.

حسین کرمی، دهیار روستای چم انار سفلای شهرستان ملکشاهی ایلام و پسرعمه نورا... درباره این حادثه به خبرنگار جام جم می‌گوید: «شامگاه پنجشنبه هفته گذشته بود که متاسفانه این اتفاق تلخ رخ داد. آن روز، نورا... بعد از اتمام کارش با حسین تماس گرفت و با او قرار گذاشت. جایی که آنها رفتند، ترشابه بود که حدود ۴۵ کیلومتر با شهرستان مهران که نورا... در آن زندگی می‌کرد، فاصله دارد. بعد از این‌که هر دو سوار خودرو شدند، به سمت محل حادثه حرکت کردند و برادرخانم نورا... هم آنان را تعقیب می‌کرد. نورا... که متوجه حضور برادرخانمش شده بود به او گفت که صحبت‌شان خصوصی است و او نباید در این موضوع دخالت نکند. نورا... و حسین وقتی به ترشابه رسیدند، با هم درگیر شدند و در این درگیری، نورا... با سلاح کلاشنیکفی که داشت، ابتدا به سمت حسین شلیک کرد که در اثر آن جانش را از دست داد. پس از قتل، نورا... با خانواده خود تماس گرفت و گفت من حسین را کشته‌ام و حالا هم می‌خواهم خودکشی کنم. خانواده با صحبت و التماس سعی کردند او را از خودکشی منصرف کنند که موفق نشدند و متاسفانه نورا... هم خودکشی کرد. برادرخانم نورا... که پنج کیلومتر با آنها فاصله داشت، می‌گفت من وقتی صدای گلوله را شنیدم، تازه متوجه شدم اتفاق بدی رخ داده است.»

کرمی در مورد این‌که آیا اختلافی بین آن دو وجود داشت، ادامه داد: «آنها رابطه خانوادگی نزدیکی با هم داشتند و برای همه عجیب است که چرا این اتفاق افتاده. البته سرنخ‌هایی از علت اختلاف آنها پیدا شده اما پلیس هنوز مطمئن نیست و در حال تحقیق روی پرونده است.»

هیچ اختلافی نداشتند

پدر حسین هم مثل بقیه اهالی از مرگ پسر جوانش در شوک است و نمی‌داند بین آن دو چه گذشته که به این اتفاق منجر شده است. عباس طلایی‌ممتاز، پدر حسین به ما می‌گوید: «روز حادثه، حسین پس از یک تماس تلفنی و همراه با یکی از دوستانش به نام نورا... به یک جاده خاکی در ترشابه رفتند. قاتل ابتدا حسین را کشت و بعد با خانواده‌اش تماس گرفت و گفت قصد خودکشی دارد که موفق نشدند جلویش را بگیرند و زمانی به محل حادثه رسیدند که دو جنازه روی زمین بود. ما نمی‌دانیم چرا این اتفاق افتاده و برای همه ما عجیب است. آنها هیچ اختلافی با هم نداشتند و پلیس هنوز در حال تحقیق روی این مساله است.»

دستگیری دزدان مسلحی که خدمتکار داشتند

اعضای باند سارقان مسلح که در پوشش مسافربر از طعمه‌های خود زورگیری می‌کردند دستگیر شدند. متهمان با پول‌های بادآورده برای خود خدمتکار استخدام کرده بودند.

به گزارش خبرنگار جام جم، کارآگاهان پلیس آگاهی غرب استان تهران از اواخر سال گذشته در جریان فعالیت یک باند سارقان مسلح در محدوده شهریار قرار گرفتند. تحقیق از مالباختگان نشان داد به عنوان مسافر سوار دو دستگاه پراید و پژو۴۰۵ شدند که سرنشینان در میان راه با تهدید سلاح آنها را به حاشیه شهر کشانده و بعد از کتک زدن طعمه‌ها از آنها اخاذی می‌کردند.

یکی از مالباختگان در شکایت خود گفت: از میدان آزادی به مقصد سعادت‌آباد سوار خودروی متهمان شدم. بعد از طی مسافتی یکی از آنها با تهدید اسلحه سر مرا زیر صندلی برد و به‌شدت کتکم زد بعد با تهدید رمز کارتم را گرفته و با آن خرید کردند. دزدان بعد از سرقت ۳۵ میلیون تومان از حسابم و دو گوشی تلفن همراهم مرا در محلی خلوت در شهریار رها کردند.

یکی دیگر از مالباختگان هم گفت: مقابل خانه منتظر رسیدن اسنپ بودم که یکی از متهمان اسلحه را روی شقیقه‌ام گذاشت و با تهدید گوشی‌ام را گرفت و گریخت.

بررسی خودروی سارقان نشان داد، آنها برای این‌که ردی از خود باقی نگذارند با خودروهای سرقتی، مسافران را شکار می‌کردند.

سردار کیوان ظهیری، رئیس پلیس غرب استان تهران دراین‌باره به جام جم گفت: کارآگاهان پلیس آگاهی با ردیابی‌هایی، اعضای این باند خشن را شناسایی کردند. باتوجه به این‌که آنها مسلح بودند باید عملیات غافلگیرانه انجام می‌شد تا فرصت استفاده از اسلحه را نداشته باشند. کارآگاهان در عملیاتی ضربتی پنج عضو این باند را دستگیر کردند که مالباختگان آنها را شناسایی کردند.

وی افزود: تاکنون بیش از ۴۰ مالباخته از اعضای این باند شکایت کرده‌اند که تحقیقات برای کشف دیگر جرایم اعضای این باند ادامه دارد.

برای سارقان، غذا درست می‌کردم

اصرار دارد که بی‌گناه است و فقط خدمتکار اعضای این باند بوده است. ماموران زمانی که وارد مخفیگاه متهمان شدند او نیز در آنجا حضور داشت که تحقیقات درباره ادعایش ادامه دارد.

در خانه سارقان چه می‌کردی؟

من زحمتکشم.

یعنی چی؟

به خانه سارقان می‌آمدم و آنجا را تمیز و برایشان غذا درست می‌کردم و برای هر روز کار ۵۰ هزار تومان می‌گرفتم.

می‌دانستی سارق مسلح هستند؟

نه. وقتی من در خانه بودم، آنها بیرون بودند.

هفته‌ای چند روز به خانه‌شان می‌رفتی؟

سه، چهار روز. باور کنید من فقط زحمتکش آنها بودم و نقشی در سرقتشان نداشتم.

همسر قاتل، راز جنایت ۱۲ساله را فاش کرد

متهم در حالی به قصاص محکوم شده که اولیای‌دم برای اجرای حکم، اقدامی نمی‌کنند.

مرد اعدامی که راز جنایتش بعد از ۱۲ سال توسط همسرش فاش شده بود با ارسال نامه‌ای به دادگاه کیفری درخواست کرد وضعیتش در زندان مشخص شود. اولیای‌دم هفت سال بعد از افشای قتل برای اجرای حکم یا قصاص اقدامی نکرده‌اند.

به گزارش خبرنگار جام جم، راز این جنایت از هفت سال قبل و با گزارش همسر قاتل فاش شد. او به ماموران گفت: شوهرم به نام رضا، ۱۲ سال قبل دوستش به نام سعید را کشت. او در این سال‌ها مرا تهدید کرده بود که از ماجرا چیزی به کسی نگویم و من هم سکوت کردم اما تصمیم گرفتم راز قتل را فاش کنم.

ماموران سپس رضا را دستگیر کردند که او منکر قتل شد اما دختر وی در تحقیقات گفت: پدرم وقتی عصبانی می‌شد می‌گفت دو نفر را کشته و باز هم می‌تواند مرتکب قتل شود. ما فقط از ماجرای قتل سعید خبر داشتیم.

رضا در جریان تحقیقات سرانجام لب به اعتراف گشود و گفت: سعید به همسرم نظر داشت به همین دلیل او را کشتم. نفر دوم شهروز بود که من او را نکشتم و سعید او را کشت.

رضا در ادامه ادعای جدیدی را مطرح کرد و گفت: همسرم سعید را به خانه‌مان کشاند و او را کشت. این ادعا در تحقیقات پلیس رد شد و ماموران دریافتند که همسر رضا در قتل نقشی نداشته است.

سرانجام پرونده با صدور کیفرخواست برای محاکمه به شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و اولیای‌دم دو مقتول خواستار مجازات قاتل شدند. رضا هم وقتی در جایگاه قرار گرفت در دفاع از خود گفت: در قتل شهروز نقشی نداشتم. یک روز همراه سعید و شهروز به جاده جاجرود رفتیم. من در ماشین خواب بودم و با سروصدا از خواب بیدار شدم و دیدم سعید روی شهروز بنزین ریخت و او را آتش زد. خواستم به شهروز کمک کنم اما سعید مانعم شد و تهدید کرد اگر بخواهم کمک کنم مرا هم به قتل می‌رساند. بعد از هفت سال از این ماجرا متوجه شدم که سعید به همسرم نظر دارد. او می‌دانست من غیرتی هستم. او را به محل خلوتی برده و با چاقو کشتم بعد هم جسدش را داخل چاهی انداختم.

پس از رسیدگی به پرونده، قضات با توجه به این‌که مدرکی درباره قتل شهروز وجود نداشت او را از اتهام قتل شهروز تبرئه اما درباره قتل سعید به قصاص محکوم کردند.

با تائید حکم، رضا پای چوبه دار رفت که اولیای‌دم وقتی درخواست او را برای بخشش دیدند، قبول کردند دربرابر مبلغی و دریافت مدارکی که از مغازه پدرشان سرقت شده، رضایت دهند.

رضا پول را تهیه کرد و به اولیای‌دم داد اما درباره مدارک مدعی شد از آنها بی‌اطلاع است. با این حال اولیای‌دم دیگر پیگیر پرونده نشدند و هفت‌سال بعد از دستگیری، رضا با ارسال نامه‌ای به دادگاه خواستار رسیدگی به پرونده‌اش شد تا تعیین تکلیف شود.

این درخواست قرار است به‌زودی در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران رسیدگی شود.

به آتش کشیدن دختر مورد علاقه به‌دلیل شکست عشقی

پسر جوان به‌دلیل شکست عشقی، در اقدامی عجیب، دختر مورد علاقه‌اش را در یکی از بوستان‌های تهران با ریختن بنزین به آتش کشید.

به گزارش خبرنگار جام جم، عصر روز چهارشنبه، یکم اردیبهشت امسال افرادی که در حال عبور از بوستانی درمحله شهرک ولیعصر پایتخت بودند، مشاهده کردند پسر جوانی به دختر ۲۰ ساله که روی نیمکت بوستان نشسته بود، نزدیک شد و محتویات بطری را روی او ریخت و بعد با فندک او را به آتش کشید. بعد هم سوار موتورش شد و گریخت.

شاهدان، شعله‌های آتش را خاموش کردند و با کمک امدادگران اورژانس دختر جوان را به بیمارستان انتقال دادند. با تلاش پزشکان، دختر جوان از مرگ نجات یافت و در تحقیقات گفت: در شبکه‌های اجتماعی با پسر آتش افروز دوست شدم. او بعد از مدتی، اخلاق و رفتارش عوض شد و مدام سر هر موضوع کوچکی با من دعوا می‌کرد و درگیری راه می‌انداخت. از او خواستم از هم جدا شویم اما قبول نمی‌کرد. روز حادثه با من قرار گذاشت. وقتی به محل قرار رفتم، دوباره دعوایمان شد که روی من بنزین ریخت و فندک زد.

با دستور بازپرس شعبه هشتم دادسرای جنایی تهران ماموران اداره ۱۶ پلیس آگاهی پایتخت در جست‌وجوی متهم ۲۵ ساله بودند که دیروز در خانه‌اش بازداشت شد و در جریان تحقیقات گفت: در عینک‌فروشی کار می‌کنم. من و دختر جوان دوست بودیم و به هم علاقه‌مند شدیم اما بعد از چند ماه میان ما شکراب شد و جدا شدیم. آن روز برای آخرین بار او را ملاقات کردم که دعوایمان شد. از کیفش بنزین بیرون آورد و روی خودش ریخت و به آتش کشید.

تحقیقات از شاهدان ماجرا در پلیس آگاهی برای افشای ماجرا ادامه دارد.

آن‌سوی مرز

مرگ ۵۳ خدمه زیردریایی اندونزی

اندونزی از غرق شدن زیردریایی این کشور با ۵۳ خدمه خبر داد. به گزارش تسنیم، ارتش اندونزی اعلام کرد زیردریایی این کشور که در اقیانوس ناپدید شده بود، با ۵۳ سرنشین غرق شده‌است. نیروی دریایی اندونزی روز چهارشنبه از قطع تماس با زیردریایی نانگالا-۴۰۲ و مفقود شدن آن با ۵۳ خدمه در جریان یک تمرین نظامی در آب‌های شمال جزیره بالی خبر داده بود.

جوکو ویدودو، رئیس جمهوری اندونزی پنجشنبه در پیامی ضمن تشویق امدادگران و گروه‌های جست‌وجو برای به کاربستن حداکثر تلاش برای یافتن زیردریایی مفقودشده، تاکید کرده بود که نجات جان ۵۳ خدمه زیردریایی اولویت نخست برای کشورش محسوب می‌شود. به گفته مسؤولان دولتی و فرماندهان نیروهای مسلح اندونزی ظرفیت اکسیژن‌رسانی زیردریایی مفقودشده که پیش از عملیات برای استفاده خدمه کنترل و بازرسی شده بود، ساعت ۳ بعدازظهر روز شنبه به اتمام رسیده است. نانگالا-۴۰۲ یکی از پنج زیردریایی ارتش اندونزی است که سال ۱۹۷۷ در آلمان ساخته شد و سال ۱۹۸۱ به ناوگان زیردریایی این کشور اضافه گردید.

تلنگر

کشف جسد خانم پرستار در خودرویش

پرستار یکی از بیمارستان‌های تهران بعد از خرج از محل کارش ناپدید و جسد او یک روز بعد در خودرویش در یکی از محله‌های شمال تهران پیدا شد.

به گزارش خبرنگار جام جم ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه پنجشنبه دوم اردیبهشت امسال یکی از ماموران کلانتری قائم به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران اطلاع داد که جسد دختر ۲۸ ساله‌ای درون خودروی پارک‌شده‌اش در یکی از محله‌های خلوت شمال تهران پیدا شده است. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد که او پرستار یکی از بیمارستان‌های شمال تهران بوده و جسد او در صندلی عقب خودروی خودش از سوی چند نفر از همکارانش پیدا شده است.

در بازرسی از خودروی دختر فوت‌شده یک قبضه چاقو همراه چند عدد شیشه داروی بیهوشی تزریقی و نیز دو عدد شیشه خالی داروی بیهوشی پیدا شد. پرونده‌ای در شعبه دوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران درباره مرگ مشکوک او تشکیل شده و تحقیقات از همکاران فرد فوت‌شده ادامه پیدا کرد. یکی از آنها در جریان تحقیقات گفت: دختر جوان آخرین بار از همه ما خداحافظی کرد و قرار شد روز بعد زودتر به بیمارستان بیاید. یک روز سر کار حاضر نشد از خانواده‌اش پیگیر شدیم که از او خبر نداشتند. شب با همکاران پرستارم از بیمارستان بیرون آمدیم تا به خانه برویم که در میانه مسیر خودروی دختر جوان را دیدیم. در آن قفل و او در صندلی عقب افتاده بود. شیشه را شکسته و او را بیرون آوردیم که مرده بود و بعد به پلیس خبر دادیم.

قتل بعد از شکستن شیشه قلیان

مردی بعد از شکستن شیشه قلیان پسر جوان، او را با ضربه چاقو کشت و فرار کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۲۴ جمعه سوم اردیبهشت امسال، وقوع درگیری خونینی از سوی ماموران کلانتری شهرزیبا به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران گزارش شد. زمانی که او همراه تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت در محل حاضر شد، پی برد پسر جوانی بر اثر ضربه‌ای که به بالای قفسه سینه‌اش وارد شده فوت کرده است. در جریان تحقیقات پلیسی از اهالی معلوم شد مقتول در همان غرب تهران ساکن بوده که در ادامه خانواده‌اش شناسایی شدند. به گفته اهالی، عامل جنایت که پسری ۲۱ ساله بوده چاقو به دست از محل فرار کرده بود.

ماموان از شاهدان جنایت تحقیق کردند که یکی از آنها به پلیس گفت: در حال عبور از خیابان بودم که دیدم صدای مشاجره و دعوا می‌آید. رد صدا را گرفتم و دیدم که دعوا میان دو پسر جوان رخ داده است. مقتول در حال قلیان کشیدن در آن محل بود که پسر جوانی به او حمله کرد و شیشه قلیان او را شکست. معلوم نبود این دعوا سر چه موضوع رخ داده است. چند نفری سعی کردند که آن دو را از هم جدا کنند که نشد و با شدت گرفتن درگیری میان آن دو دعوا بالا گرفت و جوان مهاجم که چاقو داشت به مقتول ضربه‌ای زد و گریخت. با اطلاعاتی که این شاهد و دیگر شاهدان این جنایت در اختیار پلیس قرار دادند، پرونده از سوی بازپرس شعبه دهم دادسرای جنایی تهران در دستورکار ماموران اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت و قاتل فراری تحت تعقیب است.

سوءقصد به جان رئیس پلیس

فرد مسلح ناشناس به رئیس پلیس مواد مخدر خرمشهر شلیک کرد و با مجروح کردن وی متواری شد. این حادثه دیروز در جاده آبادان ـ خرمشهر و هنگام رفتن سروان نظری به محل کارش رخ داد. رئیس پلیس مواد مخدر خرمشهر که پس از اصابت گلوله فرد مسلح ناشناس زخمی شده بود برای درمان به بیمارستان آیت ا...طالقانی آبادان منتقل و جراحی شد. پرونده‌ای در این باره تشکیل شد و تحقیقات برای دستگیری عامل این تیراندازی ادامه دارد تا مشخص شود انگیزه متهم فراری ازاین اقدام چه بوده است.